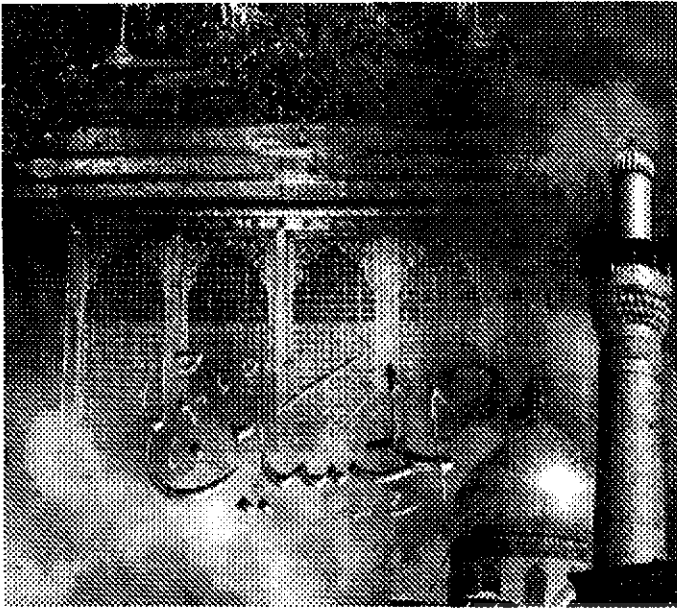


# حماسه‌ی عاشورا



نام این بنده پاک و خالص خدا را با احترام و تابناک بر زبان آورید که اگر جز این باشد، کروییان عالم غلوی به خشم آیند و پاکان و پرهیزگاران هستی کلام به شکوه بگشایند. حسین (ع) نامی است بسیار پاک و مقدس که به احترام بزرگ داشت جاودانه‌گی و به نیت سال روز پروازش به عالم ملکوت، هر ساله و در روزهایی مخصوص، یاد و خاطر جوان مردی‌ها، آزادگی‌ها و مبارزاتش بیش‌تر بر زبان آید. نام این شاهزاده پاک و قداست و خاطره جاودانه‌اش فخر بر عالمیان بالا و آدمیان سُفلی بفرشد و شخصیت بی‌مانندش پرده دار کعبه‌ی دل‌هایی باشد که به جز نور الهی چیز دیگری در آن نمی‌گنجد.

**بدون تو دید** اگر شجاعت افسانه‌ای و دین‌باوری پرهیزگاران‌هی امام حسین (ع) نبود و به قیام علیه نابه‌کاری، بی‌عدالتی و ستم‌گری خاندان ابوسفیان بر نمی‌خاست، امروز شاید یاد و خاطری کم‌رنگ نیز از تشیع سرخ غلوی وجود نداشت.

**طغیان، قیام و انقلاب** حضرت حسین (ع) بر یاران قسم خورده اسلام ناب محمدی، بر ظلم و شرارت، بر دیکتاتوری و خویش‌پرستی، بر غارت اموال مردم و چپاول بیت‌المال، بر بی‌عدالتی، بر حکومت پرستی فرزندان امیه و بر حاکمیت زور و اختناق، برای همیشه به پیروان خود آموخت تا در برابر حکومت‌های به ظاهر مسلمان، اما در اصل خودکامه و ظلم‌گستر سر تسلیم و رضا فرود نیاورند.

**بیش‌تر از ۱۴۰۰ سال** است که عاشقان حسین (ع) در سرتاسر گیتی در این ایام نامبارک، شهادت مظلومانه‌ی فرزند پیامبر (ص) را به سوگ می‌نشینند و یاد و خاطر فرزند قهرمان دشت کربلا را گرامی می‌دارند. و هرگز از این یاد و خاطر حزن‌انگیز، اما آگاه‌کننده و هشدار دهنده غافل نمی‌شوند. تمام آن کسانی که در این ایام به یاد آن سوگ بزرگ به ماتم می‌نشینند، کم و بیش از تراژدی عاشورا آگاهی دارند، اما شاید به ندرت کسانی در بین آن‌ها باشند که علت اصلی قیام امام حسین (ع) و انقلاب کربلا را بدانند.

**آزاد اندیشی، ستم ستیزی، عدالت خواهی و دین‌باوری** چهار رکن اصلی خروج حضرت حسین (ع) از حاکمیتی بود که در پناه چهار

عنصر: زور، ظلم، شمشیر و پول به زور ستانده شده از مردم، خواستار همه چیز بود و دولت اسلامی را به دو گروه خودی و ناخودی تقسیم کرده بود. معاویه، یزید و بازمانده‌گان امیه هر کسی را که افکار و شیوه حکومتی آن‌ها را نمی‌پذیرفت، مخالفت اسلام و دشمن خلیفه‌ی برحق! می‌شمردند و با اتهامات کافری و مشرکی و مرتدی تکفیرش می‌کردند و او را مستوجب مرگ می‌دانستند.

**قبیله‌ی امیه** که با طلوع آفتاب اسلام منافع خود را در خطر می‌دیدند، پس از سال‌ها انتظار به دنبال روزنه‌ای می‌گشتند که آن انتقام دیرینه را از آل محمد باز ستانند. با آمدن عثمان به عنوان سومین خلیفه‌ی مسلمانان و افول وی، معاویه و اطرافیانش به آن چه که طی ده‌ها سال قبل از دست داده بودند، رسیدند. ابتدا با حيله‌گری، بد عهدی، نافرمانی و فتنه‌گری، امام نورانی، برحق، عدالت‌گستر و مظهر پاکی و پاک‌دامنی را در محرابی مقدس و در هنگام نماز از پای در آوردند، سپس فتنه‌ها با خلافت امام حسن (ع) کردند و سرانجام فاجعه‌ی شوم دهم محرم سال ۶۱ هجری را به وجود آوردند تا بتوانند چند روزی بیش‌تر بر مرکب شرارت، ظلم، حق‌کشی، بی‌عدالتی، و ناپاکی حکومت کنند. شهادت امام حسین درس عبرت بزرگی شد برای تمام آن‌هایی که می‌خواهند چند صباحی بیش‌تر با تظاهر به مسلمانان و چسبیدن به حکومت دنیوی و برخلاف رای و اراده مردم به حاکمیت چنگ بیندازند و دین خدا را واسطه‌ی لذت‌های دنیوی خویش نمایند.